

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	فصل اول - کرامت انسانی
۲	۱-۱. ارزش عزت نفس و شرافت
۵	۱-۲. ضرورت رفاه مردم
۷	۱-۳. رعایت حقوق اقلیتها
۸	فصل دوم - آزادی
۹	۲-۱. ضرورت آزادی
۹	۲-۲. حدود آزادی
۱۰	۲-۳. ارزش آزادی
۱۱	فصل سوم - رفتار سیاسی و اجتماعی مناسب
۱۱	۳-۱. سیاست و رابطه آن با دیانت
۱۳	۳-۲. سیاست داخلی
۲۰	۳-۳. سیاست خارجی
۲۴	فصل چهارم - قانونمندی
۲۴	۴-۱. قانونمندی در قانون گذاری
۲۶	۴-۲. قانونمندی در اجرا
۲۸	۴-۳. قانونمندی در قضا
۳۰	جمع بندی و نتیجه گیری
۳۲	منابع و مأخذ

شاخصه های جامعه مطلوب  
در اندیشه فقهی - سیاسی شهید مدرس



## شاخصه‌های جامعه مطلوب در اندیشه

### فقهی - سیاسی شهید مدرس

#### مقدمه

در میان چهره‌های درخشان تاریخ معاصر کشورمان که در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور نقش مهمی ایفا کرده‌اند، بدون شک مدرس یکی از رجال نامی و منحصر به فرد به‌شمار می‌رود. مدرس هنگامی پای در وادی سیاست نهاد که روحانیت شیعه در انزوای شدیدی به سر می‌برد. پس از انحراف نهضت مشروطه از اهداف واقعی خویش و تسلط تجددخواهی و روشنفکری (که دخالت دین در سیاست را ناروا می‌شمرد)، می‌رفت تا ایران به کشوری وابسته، بی‌هویت و خودباخته در برابر تمدن غرب تبدیل شود و پرچم جدایی دین از سیاست بر بام کشور افراشته گردد.

در چنین شرایطی مدرس درحالی‌که عالی‌ترین مدارج فقهی و مراتب اجتهاد را پشت سر گذاشته بود، فلسفه سیاسی خود را بر پایه شعار معروف «سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ما» که بر چهار پایه کرامت انسانی، آزادی، رفتار سیاسی و اجتماعی سالم و معقول و قانونمندی استوار بود، مطرح ساخت. نظریات سیاسی، عملکرد و موضع‌گیری‌های او مایه اعتبار تاریخ ایران و اسلام، مکتوب آزادیخواهی و استقلال‌طلبی ملت‌مان و سند جامعه مطلوب ایران به‌شمار می‌رود.

مقاله حاضر می‌کوشد گوشه‌ای از نظریات و موضع‌گیری‌های این فقیه



سیاست‌مدار را در چهار محور کرامت انسانی، آزادی، رفتار سیاسی و اجتماعی و قانونمندی بازشناسد.

این مقاله درصدد پاسخ‌گویی به پرسش و اثبات فرضیه زیر است:

**سؤال اصلی:** جامعه مطلوب در اندیشه فقهی - سیاسی شهید مدرس چه ویژگی‌هایی دارد؟

**فرضیه اصلی:** حفظ کرامت انسان، آزادی، رفتار سیاسی و اجتماعی مناسب و قانون‌مداری، چهار ویژگی اساسی جامعه مطلوب در اندیشه فقهی - سیاسی شهید مدرس محسوب می‌شود.

#### فصل اول - کرامت انسانی

انسان، محور جامعه مطلوب است؛ چرا که غرض از تشکیل چنین جامعه‌ای حفظ کرامت انسان و حقوق وی و شکوفایی استعدادهایش در بستر فراهم آمده از آزادی و قانونمندی در راستای رشد و تعالی است. کرامت انسان‌ها نزد مدرس از جایگاهی مهم و رفیع برخوردارند و این امر را می‌توان از خلال سخنان او به‌خوبی دریافت. به پاره‌ای از این موارد در سه عنوان ارزش عزت‌نفس و شرافت، ضرورت رفاه مردم و رعایت حقوق اقلیت‌ها اشاره می‌کنیم:

#### ۱-۱. ارزش عزت نفس و شرافت

مدرس درباره عزت نفس و بی‌نیازی به‌عنوان مقدمه‌ای برای آزادی رأی و عقیده می‌گوید:



«اگر می‌بینید من در هر موردی آزادانه اظهار عقیده می‌کنم و هر حرفی را بی‌پروا می‌زنم، برای این است که چیزی ندارم و از کسی هم چیزی نمی‌خواهم. اگر شما هم بار خود را سبک کنید و بی‌نیازی را ارج نهد، آزاد خواهید شد».<sup>۱</sup>

در مورد اولویت سوادآموزی بر سایر موارد و ضرورت توسعه آن می‌گوید:  
«چیز یاد گرفتن از بس واضح است، عقلاً و دیانتاً خجالت می‌کشیدم که برخیزم و بگویم این را باید توسعه‌اش داد و مسئله خیلی بدیهی است و دیانتاً هم عقیده ما بر این است که از هر چیزی مقدم است».<sup>۲</sup>

درباره احترام به حقوق فردی و اجتماعی افراد می‌گوید:

«تنقید [انتقاد] و تزاحم و معارضه از برای حقوق شخصی و از برای حقوق اجتماعی در حال عمل برای منتقدین به هر قیمتی جایز است، ولو طرف تمام کند».<sup>۳</sup>

در مورد رعایت حقوق افراد و عدم ایراد تهمت و تعرض به آن‌ها می‌گوید:  
«بدیهی است تا کسی محکوم نشود، به مجرد معروفیت به فساد عقیده نمی‌شود مجازاتی درباره اشخاص قائل شد... تا درباره کسی حکم صادر نشود و در یک محکمه هم کسی محکوم به فساد عقیده نباشد، موافق موازین شرع نمی‌توان او را فاسدالعقیده تصور کرد».<sup>۴</sup>

درباره عدم تصرف غیرقانونی در امور مردم می‌گوید:

«از آن جمله به اطلاع انجمن ولایتی یا ایالتی، مال مردم را فروختن صورت

۱. علی مدرس، مرد روزگاران (مدرس شهید نابغه ملی ایران)، تهران، نشر هزاران، ۱۳۷۴، ص ۵۸۳.

۲. صورت مناکرات دوره ششم، تهران، مجلس شورای ملی، جمع‌آوری توسط علی مدرس، ص ۱۹.

۳. مناکرات مجلس، دوره ششم تقنینیه، تهران، مجلس شورای ملی، شماره‌های ۱ تا ۳۴، ص ۱۰۳.

۴. محمد ترکمان، مدرس در پنج دوره تقنینیه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲، جلد ۱، ص ۱۱ تا ۱۲.



شرعی ندارد و این بود که نوشتیم باید به اطلاع مدعی‌العموم باشد هر جا هست، هر جا نیست که هیچ. غیر مدعی‌العموم هیچ‌کس نمی‌تواند در امور مردم تصرف بکند».<sup>۱</sup>  
در مورد ارزش اعتبار شخصی افراد می‌گوید:

«مقصود این است که بانک را ما در این مملکت تأسیس می‌کنیم که آدم‌هایش ماییم. یک نفر می‌آید قرض می‌خواهد. نه ملک دارد و نه مال، معتبر است. این معتبر بودن شخص، خودش یک عنوانی است که بعضی اشخاص معتبرند، یعنی مال مردم را که می‌گیرند، پس می‌دهند. این را می‌گویند معتبر...»

من عقیده‌ام این است که باید [به این شخص قرض] داد، و یا اینکه خودش اعتبار ندارد، ملک ندارد، پول ندارد، اما شخص معتبر ضمانت او را می‌کند. من اعتقاد این است که به او هم باید قرض داد. پس یا باید اموال منقول یا غیرمنقول رهن بگذارد، یا خودش معتبر باشد، یا شخص معتبری ضامنش بشود، یا مؤسسه ضامنش بشود و به او پول بدهند».<sup>۲</sup>

درباره جبران زیان فردی در امور عمومی می‌گوید:

«ما در عمل عمومی اگر صدمه وارد آمد، رفع صدمه بر بیت‌المال و خزانه است و از قواعد مسلمة ماست که اگر کسی در حین عمل به نفع عموم تلف شد و صدمه دید، مثلاً رفته است جلوی سیل را بگیرد، یک صدمه به او رسید. باید از بیت‌المال مسلمین جبران شود».<sup>۳</sup>

در مورد ضرورت حفظ عزت و شرافت شهروندان در داخل کشور می‌گوید:

۱. همان، ص ۲۲.

۲. صورت مناکرات دوره ششم، همان، ص ۴۱ - ۴۲.

۳. محمد ترکمان، همان، ص ۳۶۲.



«عقیده من این است که تمام ایرانی‌ها که در مکه و مدینه و در عراق عرب، بلکه در تمام جاهای دیگر هستند، باید قطع علاقه بکنند و بیایند به ایران... این عقیده من برای چیست؟ برای این است که در ایران، دیانت و مراتب شخصی و شرافت بهتر از همه جا می‌تواند برای ایرانی محفوظ بماند و در جای دیگری نمی‌تواند... عقیده‌ام را عرض می‌کنم. البته عقیده، بیان سیاسی است. وقتی که بیان شرعی هم شد به موقع عرض خواهم کرد».<sup>۱</sup>

## ۱-۲. ضرورت رفاه مردم

مدرس درباره ضرورت توجه دولت به اقتصاد می‌گوید:

«امروز احتیاج ما به اقتصادیات و توسعه زندگانی از برای عموم، فوق‌العاده است و این در واقع از اهم امور است، یعنی شب و روز اگر دولت بخواهد کار بکند، باید در این موضوع کار بکند».<sup>۲</sup>

در مورد اهمیت تلاش دولت و مجلس برای فراهم آوردن راحتی مردم می‌گوید:

«دولت و مجلس، تمام مکلفاند بذل جهد کنند از برای اینکه به‌قدر میسرور راحتی

مردم را از جهت معاش اقل فراهم کنند».<sup>۳</sup>

در جای دیگری در همین مورد می‌گوید:

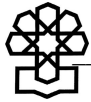
«باید به عقیده بنده کاری کنیم که این مردم در رفاه باشند».<sup>۴</sup>

۱. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۹۹ - ۱۰۰.

۲. مذاکرات مجلس، دوره ششم تقنینیه، همان، ص ۱۳۶.

۳. صورت مذاکرات دوره پنجم، همان، ص ۱۴۲۱.

۴. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۲۴۸.



درباره میزان مالیات دریافتی از مردم می‌گوید:

«باید هر یک از اهالی مملکت به‌قدر استعداد خودش مالیات بدهد».<sup>۱</sup>

در مورد عدم دریافت مالیات از مخارج متعارف مردم می‌گوید:

«حالا از همه این‌ها هم بگذریم، از سرانه و اراضی و مالیات بر عایدات هم که تنزل بکنیم و بخواهیم [مالیات را] بر مخارج تحمیل کنیم، می‌گوییم یک خرجی داریم و یک برجی. و به عقیده من باید بر برج تحمیل شود نه بر خرج... مثلاً بر بلورآلات خیلی خوب است یک تحمیلی بشود، چون بلور یک برجی است و زحمتش هم بر عموم نیست... نه اینکه بر ماش و گاودانه و نخود و لوبیا و عدس و سنگک و گندم و جو و سایر ارزاق عمومی که زحمتش بر افراد است... خرازی و بلورآلات، بر این‌ها تحمیل کنید. آن هم جهت مخارج بلدیه و مصارف شهر، نه برای خوردن اجزای بلدیه و برای دارالایتام. تنظیفات شهر، دارالمساکین و غیره اما از نان و گوشت نمی‌شود گرفت... بر خرازی، بر بلورفروش، بر قماش خارجه و غیره تحمیل کنید».<sup>۲</sup>

درباره لزوم دریافت مالیات از منافع و عدم دریافت مالیات از فقرا می‌گوید:

«بنده عرض می‌کنم اولاً، بر فقیر مالیات نیست. چون فقیر چیزی ندارد که بر او مالیات وضع شود. ثانیاً، من تعجب می‌کنم از این حرف‌ها... مالیات بر چیزی است که نفع داشته باشد. اگر من آن چیز را دارم، از من مالیات می‌گیرند. اگر ندارم، هیچ‌چیز گرفته نمی‌شود و بر فقیر هم مالیات نیست».<sup>۳</sup>

۱. محمد ترکمان، همان، ص ۲۶۷.

۲. صورت مذاکرات دوره پنجم، همان، ص ۷۰۳.

۳. محمد ترکمان، همان، ص ۲۶۶.



### ۳-۱. رعایت حقوق اقلیت‌ها

مدرس درباره ضرورت حضور نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس قانون‌گذاری می‌گوید:

«اولاً، تصدیق می‌کنم آن فرمایشی را که آقای مخبر فرمودند، که حقیقت سیاسی همین است که در این مجلس مقدس سه نفر نماینده از ملل ثلاثه تشریف داشته باشند. این عین اتحاد و یگانگی است.»<sup>۱</sup>

در مورد تساوی حقوق اقلیت‌های دینی با شهروندان مسلمان می‌گوید:

«از جهت ملل متنوعه که در مملکت ایران هستند، تمام خصوصیات و منافی‌ها که برای مسلمین ملاحظه می‌شود، برای آن‌ها هم حتماً باید ملاحظه شود... هرگز از این [به ذهن؟] ملل متنوعه نرود که این‌ها در این حقوق فرقی با سایر مسلمین خواهند داشت.»<sup>۲</sup>

درباره عدم وجوب دفاع از کشور اسلامی بر غیرمسلمین می‌گوید:

«[دفاع از کشور اسلامی] بر غیرمسلمین واجب نیست. لدی‌الاقضاء ممکن است دولت آن‌ها را استخدام کند... اما اگر او حاضر نشود، دولت نمی‌تواند مجبورش کند.»<sup>۳</sup>

در جای دیگری در همین مورد می‌گوید:

«و اما اینکه فرمودند طوایف عیسوی هم عسکر بدهند، ابداً اهل ذمه نباید عسکر بدهند. آن‌ها باید پول بدهند... تکلیف اسلام بر غیراسلام تعلق نمی‌گیرد...»

۱. همان، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۲۵۰.

۳. صورت مذاکرات دوره پنجم، قسمت دوم، همان، ص ۹۹۱.



البته این‌ها در مملکت ما از زرتشتیان، برادران وطنی ما از یهود، از ارامنه هستند. البته باید دفاع کنند و خاک خودشان را نگاه دارند، ولی دفاع بکنند، یعنی میل خودشان است، نه اینکه من بگویم حکماً (ضرورتاً) باید بیایند. اگر به میل و رغبت آمدند، منت او را بدارید و از بیت‌المال هم به آن‌ها حق بدهند.»<sup>۱</sup>

با دقت در مطالب فوق، می‌توان نظرات مدرس را درباره کرامت انسانی در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. احترام به حقوق فردی و اجتماعی افراد و حفظ عزت و شرافت آن‌ها،
۲. لزوم تلاش دولت برای فراهم ساختن آرامش، راحتی و رفاه مردم،
۳. ضرورت رعایت حقوق اقلیت‌ها.

## فصل دوم - آزادی

آزادی یکی از ارکان مهم هر جامعه مطلوبی به‌شمار می‌رود. رکنی که در صورت عدم توجه به آن، بحث درباره کرامت انسانی، رفتار سیاسی و اجتماعی معقول، قانون‌مداری و... بی‌فایده خواهد بود. به همین دلیل، مدرس برای آزادی، اهمیت شایان توجهی قائل است. به تعدادی از محورهای نظریات او در این باره در سه عنوان ضرورت، حدود و ارزش آزادی اشاره می‌کنیم:

۱. محمد ترکمان، همان، ص ۱۳.



## ۲-۱. ضرورت آزادی

مدرس درباره عدم تناسب استبداد و مشروطه می‌گوید:

«استبداد و مشروطه هم اصلاً با هم مناسبت ندارد که بگویند این بهتر است یا آن. این یک تباینی است و تباين ضد با ضد. نمی‌شود گفت مشروطه بهتر است یا استبداد. اگر منورالفکرهای خودمان به این خیال افتادند که خوب کردند. اگر هم دست غیبی به این خیال‌شان انداخت، خوب بوده. خیر خوب از هرکس برسد خوب است».<sup>۱</sup>

در مورد آزادی قوه مقننه و نمایندگان مجلس قانون‌گذاری می‌گوید:

«مجلس باید عقیده‌اش به تمام مطالب، چه انتخابات و چه غیر انتخابات آزاد باشد».<sup>۲</sup>

در جای دیگری در همین مورد می‌گوید:

«من عقیده دارم مجلس شورای ملی، مجلس انس نیست. در مجلس شورای ملی تمام عقاید و مطالب باید گفته شود و حلاجی شده، حل بشود».<sup>۳</sup>

## ۲-۲. حدود آزادی

مدرس درباره آزادی بیان و قلم و ماندگاری آن می‌گوید:

«ابوریحان کار بزرگی کرد و کتاب ماللهند را نوشت. قدرش و ارجش محفوظ. برای او طلب مغفرت باید کرد، ولی اگر ماللایران را نوشته بود، شاید امروز برای ما و

۱. صورت مناکرات دوره پنجم، قسمت اول، همان، ص ۴۹۲ - ۴۹۳.

۲. همان، ص ۱۳.

۳. حسین مکی، مدرس قهرمان آزادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸، جلد ۱، ص ۶۸۴.



ملل اسلامی ثمربخش‌تر بود. می‌گویند سلاطین آن زمان نمی‌گذاشتند بنویسند، ولی این عقیده درستی نیست. جلوی زبان و قلم را هیچ قدرتی نمی‌تواند بگیرد... خداوند بیان و قلم را در روزگاران ماندنی و ابدی فرموده و این معنا غیر از این ندارد که قلم و بیانی که در راه جریان حق است، خود حافظ ماندگاری خود می‌باشد».<sup>۱</sup>

در مورد حدود آزادی و عدم تعرض به حقوق دیگران می‌گوید:

«هرکس باید عقاید سیاسی خودش را بگوید، اما به عقیده دیگری نباید تعریض داشته باشد».<sup>۲</sup>

## ۲-۳. ارزش آزادی

مدرس درباره ارزش و تقدس آزادی می‌گوید:

«من در این کشمکش چشم از حیات پوشیده از مرگ باک ندارم، [ولی] آرزو دارم اگر خونم بریزد، فایده‌ای در حصول آزادی داشته باشد. من به تنهایی از دستگاه سردار سپه نمی‌ترسم، اما او با تمام قدرت و جلال سلطنتش از من می‌ترسد».<sup>۳</sup>

در مورد استقامت در حفظ آزادی و عدم از دست دادن آن می‌گوید:

«شاید مشیت خداوند بر این قرار گرفته باشد که آزادی و استقلال ما به‌زور از ما گرفته شود، ولی سزاوار نیست که ما خود به دست خویش آن را از دست بدهیم».<sup>۴</sup>

با تأمل در مطالب یادشده می‌توان دیدگاه‌های مدرس را در مورد آزادی در

۱. علی مدرسی، همان، ص ۵۸۸.

۲. صورت مناکرات دوره ششم، همان، ص ۱۰۴.

۳. علی مدرسی، همان، ص ۵۸۲ - ۵۸۳.

۴. علی مدرسی، مدرس، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، جلد ۲، ص ۳۴.



موارد زیر خلاصه کرد:

۱. ضرورت وجود آزادی،
۲. توجه به حدود آزادی و عدم تعرض به حقوق دیگران،
۳. تقدس و ارزش والای آزادی و استقامت در راه حفظ آن.

### فصل سوم - رفتار سیاسی و اجتماعی مناسب

در هر جامعه مطلوب توجه به رفتارهای سیاسی و اجتماعی معقول و سالم داخلی و خارجی؛ چون تفکیک قوا، اهمیت و وظایف هریک از قوای سه‌گانه، مشارکت مردمی و فعالیت حزبی، چگونگی ارتباط با کشورهای خارجی و... حائز اهمیت فراوانی است. مدرس نیز با امعان‌نظر به موارد یادشده، در مقاطع گوناگون دیدگاه‌های خود را در این باره بیان کرده است. به پاره‌ای از این موارد در سه عنوان سیاست و رابطه آن بادیانت، سیاست داخلی و سیاست خارجی اشاره می‌کنیم:

#### ۱-۳. سیاست و رابطه آن با دیانت

مدرس درباره سیاست و تغییر و تحول مستمر آن می‌گوید:

«علوم نظری مخصوصاً روزبه‌روز در مرحله تغییر و تبدیل است و سیاست هم یک علم دقیق نظری است».<sup>۱</sup>

در مورد اتخاذ سیاست دقیق و ظریف می‌گوید:

۱. علی مدرس، مرد روزگاران، همان، ص ۶۰۶.



«سیاست ما ایرانی‌ها باید سیاست بزکوهی باشد... سیاست بزکوهی آن است که همیشه بین‌الطلوعین چرا می‌کند که به قدری روشن باشد که علف را ببیند، اما به قدری روشن نباشد که صیاد او را صید کند. ما ایرانی‌ها باید سیاست‌مان طوری باشد که زندگی کنیم، اما صیاد ما را صید نکند».<sup>۱</sup>

درباره رابطه سیاست و دیانت می‌گوید:

«منشأ سیاست ما دیانت ماست... دیانت ما عین سیاست ما هست. سیاست ما عین دیانت ماست».<sup>۲</sup>

در مورد وابستگی عقیده سیاسی به رأی دینی می‌گوید:

«عقیده سیاسی من که متعقب است به عقیده دیانتی من اقتضا دارد...».<sup>۳</sup>

درباره رابطه دیانت با ملیت و استقلال می‌گوید:

«ایرانی مسلمان باید مسلمان و ایرانی باشد. دشمن دیانت ما دشمن استقلال ماست».<sup>۴</sup>

در مورد وابستگی عظمت سیاسی و شرافت به دیانت می‌گوید:

«عظمت ما در دنیا به قانون اسلام است و بدانید که این قانون است که ما را نگاه می‌دارد. وای بر ما اگر روزی نسبت به این قانون بی‌اعتنا شویم. آن روز نه مملکت برای ما می‌ماند و نه شرافت».<sup>۵</sup>

۱. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۵۹.

۲. محمد ترکمان، همان، ص ۴۲۸.

۳. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۱۱۰.

۴. محمد ترکمان، همان، ۱۹۶.

۵. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۱۶۸.



درباره ضرورت توجه به سیاست ملی می‌گوید:

«ایرانی باید خودش ایرانی باشد، سیاستش هم ایرانی باشد... این عقیده سیاسی من است».<sup>۱</sup>

در مورد وابستگی انحطاط ممالک اسلامی به جدایی دین از سیاست در آن‌ها می‌گوید:

«فکر می‌کردم چرا ممالک اسلامی روبه‌ضعف رفته و ممالک غیراسلامی روبه‌ترقی؟ چندین روز فکر کردم و بالاخره چنین فهمیدم که ممالک اسلامی، سیاست و دیانت را از هم جدا کرده‌اند، ولی ممالک دیگر سیاست‌شان عین دیانت‌شان یا جزء آن است. ممکن هم هست اشتباه کرده باشند. لهذا در ممالک اسلامی اشخاصی که متدین هستند، دوری می‌کنند از اشخاصی که داخل سیاست هستند. آن‌ها که دوری کردند، ناچار همه نوع اشخاص رشته سیاست را در دست گرفته، لهذا روبه‌عقب می‌رود».<sup>۲</sup>

## ۲-۳. سیاست داخلی

مدرس در مورد ارزش و اعتبار ملت می‌گوید:

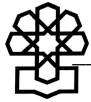
«البته مملکت، اصل و مبنایش ملت است. حقیقت مملکت، عبارت است از ملتی که در آن مملکت جمع شده و تعیش می‌کنند. دولت البته یک خدمتی را از جانب ملت و وظیفه‌دار است».<sup>۳</sup>

درباره اولویت ملت بر دولت می‌گوید:

۱. محمد ترکمان، همان، ص ۱۹۷.

۲. همان، ص ۲۳۲.

۳. همان، ص ۴۱۹.



«دولت درحقیقت باید شبان ملت باشد، یعنی مرتع خوب، اسباب خوب، وقت خوب تهیه بکند و در واقع نوکر ملت است».<sup>۱</sup>

در مورد قومیت و ضرورت حفظ آن می‌گوید:

«قومیت قوم عبارت از حفظ جامع آن قوم است... بقای هر قومی به حفظ جامع بین افراد آن قوم است. اگر قومی ۱۰۰ میلیون افراد داشته باشد و حفظ جامع خودشان را نکنند، آن قوم کالجرادالمنتشر، افرادی هستند متشتت و هیچ اثر و فایده اجتماعی بر آن افراد کثیره مترتب نخواهد بود. ترقی و تعالی هر قومی به این خواهد شد که جامع میان خودشان را نگهداری کنند... غرض اصلی ما یک جامعی است که قسمت بزرگ دنیا در آن جامع شرکت دارند و آن اسلامیت هست. اسلام یک مدت کمی در دنیا ترقی‌کرد و توسعه پیدا کرد و همان مدتی بود که جامع خودشان را حفظ کردند و بزرگان خودشان را اطاعت کردند».<sup>۲</sup>

درباره تقدم حفظ دیانت، قومیت و ملیت بر سایر امور می‌گوید:

«باید یک قدم‌هایی که مقتضای حفظ دیانت و حفظ قومیت و حفظ ملیت خودمان است، در این مورد برداریم و هیچ کاری و هیچ چیزی را مقدم بر این کار قرار ندهیم».<sup>۳</sup>

در مورد توجه به پشتیبانی ملت و فواید آن می‌گوید:

«اگر تمام دول دنیا برخلاف من باشد و قلوب مردم بالطبع با من باشد، من به تنهایی مقاومت می‌کنم. چه جای اینکه ۱۰۰ نفر وکیل هم عقیده باشد. پس قوت ما توجه

۱. مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه، همان، ص ۱۳۵.

۲. صورت مذاکرات دوره پنجم، تهران، مجلس شورای ملی، قسمت دوم، ص ۱۳۷۷.

۳. همان.





قلوب عام است»<sup>۱</sup>.

درباره ضرورت توجه به اراده ملت در حکومت ملی می‌گوید:

«کابینه و تمام کارهایی که در مملکتی دارای حکومت ملی است باید مستقیم یا غیرمستقیم به اراده ملت معین شود...»

هر کاری در مملکت حکومت ملی باید به اراده ملت باشد و باید مجلس شورای ملی رأی بدهد... اراده ملت حاکم است»<sup>۲</sup>.

در مورد مصلحت نظام پارلمانی می‌گوید:

«البته باید کم‌کم ملتفت بشوند. همان طور که در سایر جاهای دنیا به تدریج فهمیدند که مصلحت آن‌ها در این نحو حکومت [پارلمانی] است. البته اهل ایران هم کم‌کم خواهند فهمید که مصلحت آن‌ها هم در این نحو حکومت است. اگرچه از وکلای‌شان یک مقدار توقعات زیادی دارند که آن‌ها از عهده برنمی‌آیند، اما ان شاء... خواهند فهمید که باز همین نحو حکومت به حال آن‌ها اصلاح است»<sup>۳</sup>.

درباره لزوم توجه به مجلس قانون‌گذاری در حکومت ملی می‌گوید:

«عقیده‌ام این است که هر کاری باید بشود، باید به رأی مجلس باشد. اعم از اینکه خوب شود یا نه؛ زیرا حکومت ما حکومت ملی است»<sup>۴</sup>.

در مورد اهمیت قانون اساسی می‌گوید:

۱. صورت مذاکرات دوره پنجم، قسمت اول، همان، ص ۴۹۳.
۲. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۵۷ و ۶۶.
۳. محمد ترکمان، همان، ص ۲۸۱.
۴. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۷۱.

«قانون اساسی، رساله عملی دولت ایران است»<sup>۱</sup>.

درباره اهمیت مجلس قانون‌گذاری به عنوان مرکز ثقل کشور می‌گوید:

«مرکز ثقل و نقطه قضا و قدر مملکت ایران اینجا [مجلس] است. ایران غیر از اینجا نقطه قضا و قدر ندارد... هرچه متعلق به ایران واقع شود، بعد از تصویب اینجا باید اجرا شود... هرچه که ارتباط با ضرر و نفع این مملکت داشته باشد، اینجا نقطه قضا و قدرش است»<sup>۲</sup>.

در مورد اعتبار و تقدس مجلس قانون‌گذاری به عنوان عصاره ملت می‌گوید:

«مجلس شورای ملی علاوه بر اینکه مجلس شورای ملی است، به منزله ۳۰ کرور نفس ملت است. یک صفتی هم دارد که رویش گذارده‌اند و اگر آن روز من بودم شاید موافق نبودم که این اسم را رویش بگذارند و آن مجلس مقدس است»<sup>۳</sup>.

درباره اقتدار مجلس قانون‌گذاری و عدم مقاومت در برابر آن می‌گوید:

«در مقابل قدرتی که مجلس شورای ملی دارد، هیچ چیز نمی‌تواند ایستادگی و مقاومت کند... قدرت مجلس شورای ملی در مقابل تمام مزاحمات می‌چربد، شبیه ندارم»<sup>۴</sup>.

در مورد ضرورت حفظ ابهت مجلس قانون‌گذاری می‌گوید:

«باید ابهت و جلال و نزاکت مجلس شورای ملی محفوظ باشد»<sup>۵</sup>.

۱. همان، ص ۱۱۲.
۲. همان، ص ۱۱۱ - ۱۱۳.
۳. صورت مذاکرات دوره پنجم، قسمت اول، همان، ص ۵۶۹.
۴. محمد ترکمان، همان، ص ۳۲۸.
۵. صورت مذاکرات دوره پنجم، همان، ص ۲۵۴.





درباره وابستگی عظمت ملت به عظمت مجلس قانون‌گذاری می‌گوید:

«عظمت ملت همان عظمت مجلس شورای ملی است. هر ملتی بزرگواری و عظمتش بسته به عظمت و فلاح مجلس شورای ملی است. پس هرکسی ملتی را بزرگ و با عظمت بخواند، باید مجلس شورای ملی او را هم بزرگ و با عظمت بخواند»<sup>۱</sup>.

در مورد لزوم فعالیت حزبی در مجلس قانون‌گذاری می‌گوید:

«البته مجلس باید دارای حزب سیاسی، غیرسیاسی باشد و اقلیت و اکثریت باید باشد... وظیفه اقلیت تنقید است، وظیفه اکثریت مساعدت است»<sup>۲</sup>.

درباره اهمیت نمایندگی مجلس قانون‌گذاری می‌گوید:

«البته آقایان و کلا تصدیق می‌فرمایند که این کاری که ما قبول کرده‌ایم، بهترین کارهای ماست و اهم امور است... پس باید بهترین اوقات مان را برای این کار معین کنیم... درحقیقت اداره‌کننده مملکت آقایان و کلا هستند»<sup>۳</sup>.

در مورد ضرورت عمومی و مستقیم بودن انتخابات می‌گوید:

«انتخابات البته باید عمومی باشد، چون تمام موکل این و کلا هستند و مستقیم هم البته باشد. منتخب غیرمستقیم به عقیده بنده اصلاً وکیل نیست»<sup>۴</sup>.

درباره تفاوت وکالت با ولایت می‌گوید:

«ما یک مفهوم وکالتی داریم، یک مفهوم ولایتی. گمان می‌کنم ما که آمده‌ایم اینجا

۱. محمد ترکمان، همان، ص ۴۱۹.

۲. همان، ص ۳۷۵.

۳. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۱۴۶ - ۱۴۷.

۴. محمد ترکمان، همان، ص ۲۸۱.



می‌گوییم وکیلیم، ولی نیستیم. ولی آن‌کس است که آنچه خودش مستقلاً صلاح می‌داند، اجرا کند. وکیل این است که نظر موکلینش را هم بداند»<sup>۱</sup>.

در مورد لزوم توجه به انجمن‌های شهر به‌عنوان فرزندان کوچک مجلس قانون‌گذاری می‌گوید:

«انجمن‌های بلدی فی‌الحقیقه و نفس‌الأمر اولادهای کوچک پارلمان است... بنده پیشنهاد کردم شرایط و موانع انتخاب انجمن‌های بلدی همان شرایط و موانعی باشد که برای انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده مجلس شورای ملی معین است»<sup>۲</sup>.

درباره ضرورت یگانگی و وحدت دولت و ملت می‌گوید:

«دولت جدا نیست از ملت. ملت هم جدا نیست از دولت. اگر ملت چیز داشته باشد، دولت چیز دارد. اگر دولت فقیر باشد، ملت فقیر است»<sup>۳</sup>.

درباره وابستگی اقتدار دولت به اراده ملت و عدم سوءاستفاده از آن می‌گوید:

«قدرت ملت را که مأموران دارند نباید خرج انتخاب خودشان کنند. مأموران این قدرتی که در محل دارند از ملت است. قدرت خودشان نیست. این را نباید خرج منافع و مقاصد خودشان بکنند»<sup>۴</sup>.

در مورد وظیفه دولت در ایجاد امنیت، رفاه و عمران و آبادانی می‌گوید:

«اصل ملکداری این است: تأمین العباد و تعمیر البلاد. این ملکداری است. لکن

۱. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۱۰۲.

۳. مذاکرات مجلس، دوره ششم تقنینیه، همان، ص ۱۳۶.

۴. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۷۸.



تأمین العباد به پول نیست، به خرج کردن پول است نه به پول».<sup>۱</sup>

درباره لزوم ملاحظه مصلحت کشور می‌گوید:

«همیشه در قضایا باید ملاحظه صرفه و صلاح مملکت را نمود».<sup>۲</sup>

در مورد ضرورت اخذ صلاح و دوری از فساد برای رسیدن به تمدن می‌گوید:

«عقلا رو به ترقی می‌روند. اینکه می‌فرمایند تمدن رو به ترقی است، یعنی صلاح

را می‌گیرند و از فساد می‌گریزند. این معنا تمدن است».<sup>۳</sup>

درباره تقدم اصلاح بر توسعه می‌گوید:

«من هواخواه کمی هستم و اصلاح، یعنی اینکه کم درست کنند، بعد توسعه بدهند.

نه اینکه توسعه بدهند، بعد اصلاح کنند».<sup>۴</sup>

در مورد ضرورت ترجمه علوم و فنون سایر کشورها و استفاده از آنها

می‌گوید:

«مکرر بنده این مطلب را عرض کردم و تمام علوم و فنونی که به سوی مملکت

جلب می‌شود باید به لسان اهل آن مملکت ترجمه شود تا عمومیت پیدا کند و این

مملکت تا دارالترجمه پیدا نکند و دارالترجمه در آن تأسیس نشود، مثل قرن سوم و

چهارم که علوم و فنون را از سایر السنه به لسان عربی ترجمه می‌کردند و تا علوم و

صنایعی که محل احتیاج مملکت است (یعنی احتیاج دنیوی) به لسان اهل مملکت ترجمه

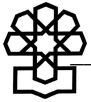
نشود، رفع احتیاج ما نمی‌شود. بلکه مالیه مملکت می‌رود، اخلاق مملکت می‌رود، ادبیات

۱. همان، ص ۱۲۵.

۲. همان، ص ۲۵۲.

۳. همان، ص ۲۲۶.

۴. صورت مناکرات دوره پنجم، قسمت اول، همان، ص ۶۰۱.



مملکت می‌رود و عاقبت هم چیزی به دست نمی‌آید».<sup>۱</sup>

درباره استفاده از تجارب سایر کشورها در اداره امور کشور می‌گوید:

«این را تصدیق بفرمایید که ما در اداره کردن مملکت در امور اقتصادی مملکتی و

سیاسی باید تابع کسانی باشیم که بهتر از ما می‌دانند. نه اینکه به خیال خود یک کاری

کنیم. آن‌ها بهتر از ما می‌دانند، تجربه دارند».<sup>۲</sup>

### ۳-۳. سیاست خارجی

مدرس درباره ضرورت داشتن روابط حسنه با کشورهای جهان به خصوص

کشورهای همسایه می‌گوید:

«چون از ناحیه ما زیانی نیست، چه زیان سیاسی یا پلتیکی نسبت به تمام دول

خصوص با دول همسایه، بلااستثنا و همیشه در سیاست و در اقتصاد نظر خوب [و]

روابط حسنه داشته‌ایم و باید هم داشته باشیم. سیاست ما مقتضا است که بلااستثنا

من غرب و شرق و شمال و جنوب، عقیده سیاسی من این است، عقیده دینی من این

است که با همسایگان مملکت مان باید [در] سیاست و اقتصاد و تمام خصوصیت‌مان

روابط حسنه و خوب باشد».<sup>۳</sup>

در مورد اهمیت داشتن روابط ویژه با کشورهای اسلامی می‌گوید:

«دولت و ملت ایران باید سیاستش نسبت به دول عالم به نظر واحد باشد.

۱. کتابخانه و واحد اطلاع‌رسانی فارابی، مدرس و حاکمیت ملی، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،

آذر ۱۳۷۴، ص ۵.

۲. صورت مناکرات دوره ششم، همان، ص ۲۰۸.

۳. صورت مناکرات دوره پنجم، قسمت دوم، همان، ص ۱۸۲۹.



سیاستش این تقاضا را دارد، ولی بر همه واضح است که دول و ملل اسلامی طبیعتاً یک خصوصیتی با هم دارند... البته باید ما هم یک نظر خصوصی به آن‌ها داشته و روابط حسنه خاصه با آن‌ها پیدا کنیم»<sup>۱</sup>.

درباره رعایت توازن عدمی و نه وجودی در روابط با کشورهای خارجی می‌گوید:

«من از هرکسی که بر ضدمان باشد می‌ترسم. از هر دولتی که بخواهد ذره [ای] دخالت در امور ما بکند می‌ترسم و باید توازن عدمی را نسبت به همه مراعات کرد، نه توازن وجودی را»<sup>۲</sup>.

در مورد ضرورت توجه به اصول «دقت» و «مقابله به مثل» در روابط با کشورهای خارجی می‌گوید:

«ما نسبت به دول دنیا دوست هستیم، چه همسایه، چه غیرهمسایه، چه جنوب، چه شمال، چه مشرق، چه مغرب و هرکسی متعرض ما بشود، متعرض آن می‌شویم. هرچه باشد، هرکه باشد. به قدری که از ما برمی‌آید و ساخته است... باید وضعیت سیاست ما به همان قسمتی که با آن همسایه حسن است، باید مراقب هم باشیم که نفع ما از میان نرود، نسبت به همسایه دیگر هم حسن باشد و مواظب باشیم که ضرر آن‌ها به ما متوجه نشود»<sup>۳</sup>.

درباره ضرورت حساسیت در قبال وقایع جهان اسلام می‌گوید:

«ما نباید در مقابل این وقایع و حوادث [جهان اسلام] خاموش و خموده باشیم.

۱. محمد ترکمان، همان، ص ۲۲۲.

۲. همان، ص ۴۳۳.

۳. همان، ص ۴۳۰.



بلکه باید به اندازه استعداد و قوه خودمان همیشه مراقب و مواظب باشیم»<sup>۱</sup>.  
در مورد وابستگی استقلال کشور به عظمت وزارت امور خارجه و توجه به سیاست درهای باز می‌گوید:

«مملکت مستقل بودنش به دو چیز است: یکی وزارت خارجه و یکی هم اینکه مملکت به همه‌جا در داشته باشد. به عقیده من مملکتی که در به همه‌جا دارد و وزارت خارجه‌اش محکم است، در دنیا استقلال دارد و این معنا استقلال است...»

وزارت خارجه را باید ابهت داد. باید سفارتخانه‌ها و قنصلخانه‌ها را در دنیا عظمت داد و هر مأمور فوق‌العاده خوب و عالی داشت، به خارج فرستاد»<sup>۲</sup>.  
درباره ضرورت تبادل فرهنگی میان کشورها می‌گوید:

«عقیده دارم تبادل فرهنگی در همه زمینه‌ها بین ممالک که علمی، عملی، صنعتی دارند، به نحو اکمل و احسن انجام شود. هیچ ملتی از علم و صنعت و علوم معرفه النفس دیگر ملل بی‌نیاز نیست»<sup>۳</sup>.

در مورد عدم داشتن حسن‌ظن به جامعه ملل می‌گوید:

«گرچه من یک حسن‌ظن خوبی نسبت به خودمان به جامعه ملل ندارم، لکن تنها نمی‌توانم استقامت کنم به اینکه حالا عضویت را به هم بزنیم، اما می‌گویم که من می‌میرم و شما می‌مانید. همین قدر می‌گویم حسن‌ظن خوبی به جامعه ملل نسبت به خودمان ندارم، اما چه وقت نتیجه ببخشند، بعد معلوم خواهد شد. این حدس است.

۱. صورت مذاکرات دوره پنجم، همان، ص ۱۵۶۷.

۲. همان، ص ۴۵ تا ۵۰.

۳. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۵۴.



حدس آخوندی است»<sup>۱</sup>.

با دقت در مطالب فوق، می‌توان نظرات مدرس را درباره رفتار سیاسی و اجتماعی در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. توجه به رابطه سیاست و دیانت و وابستگی عظمت سیاسی و شرافت به دیانت،
۲. توجه به سیاست ملی و ارزش، اعتبار و اراده ملت در حکومت ملی و ضرورت تقدم و حفظ دیانت، قومیت و ملیت،
۳. اهمیت قانون اساسی و مجلس قانون‌گذاری و ضرورت حفظ عظمت و ابهت آن‌ها،

۴. مشارکت مستقیم مردمی و آزادی فعالیت احزاب،

۵. یگانگی و وحدت دولت و ملت و وابستگی اقتدار دولت به اقتدار ملت،

۶. وظیفه دولت در ایجاد امنیت، رفاه، عمران و آبادانی و ضرورت ملاحظه مصالح ملی،

۷. تقدم اصلاح بر توسعه و استفاده از تجارب سایر کشورها در اداره امور کشور،

۸. داشتن روابط حسنه با سایر کشورها به‌خصوص با کشورهای همسایه و

به‌ویژه با کشورهای اسلامی و حساسیت در قبال وقایع جهان اسلام،

۹. رعایت توازن عدمی و نه توازن وجودی در روابط با سایر کشورها،

۱۰. تبادل فرهنگی میان کشورها.

۱. علی مدرس، مرد روزگاران، همان، ص ۵۸۴.



## فصل چهارم - قانونمندی

قانونمندی یکی از پایه‌های هر جامعه مطلوبی است، چرا که در سایه قانونمندی است که می‌توان به حفظ کرامت انسانی، آزادی، مشارکت مردمی و رشد و تعالی انسان‌ها امید داشت. به همین دلیل، مدرس اهتمام فراوانی به قانون‌مداری دارد، تا آنجا که معتقد است رعایت قانون - حتی اگر بی‌فلسفه هم باشد - لازم است. به تعدادی از محورهای نظریات او در این باره در سه عنوان قانونمندی در قانون‌گذاری، اجرا و قضا اشاره می‌کنیم:

### ۱-۴. قانونمندی در قانون‌گذاری

مدرس درباره ضرورت لحاظ فلسفه قانون می‌گوید:

«قانون‌گذاری معنایش این است که فلسفه آن را مقنن ملاحظه کند و قانون بگذارد. دیگر ذکر فلسفه و جمع و خرج را در قانون نباید بکند. باید این ملاحظات را مقنن خودش بکند و جمع و خرج کند... آن وقت نتیجه آن را قانون بگذارد»<sup>۱</sup>.

در مورد عدم تناسب قانون اسلامی - ایرانی با علوم و قوانین سایر کشورها می‌گوید:

«ماهیت قانون هم باید برجای خودش باقی باشد. اگر تمام علوم اروپا راهم بیاوریم و بخواهیم قانون وضع کنیم، محقق است زحمت بیهوده‌ای است و شباهت به قانون ما ندارد. ماهیت قانون حقوقی و جزایی ما ان شاء... در کمیسیون مبرهن خواهد

۱. محمد ترکمان، همان، ص ۱۶۵.



شد که یکی از آن‌ها حفظ حماء است... البته حفظ حقوق بین‌الملل را هم همه باید بدانیم.<sup>۱</sup>

درباره ضرورت حکومت قانون و صلاحیت انحصاری مجلس قانون‌گذاری در وضع، اصلاح و تفسیر قوانین می‌گوید:

«قانون باید حاکم باشد و وضع آن از وظایف مجلس شورای ملی است. اگر امروز که مجلس هست، یک قانونی محتاج به اصلاح و شرح باشد، البته باید به مجلس رجوع کنند. نه اینکه هر جا نمی‌فهمند، خودشان تغییراتی داده و یک ماده اضافه کنند».<sup>۲</sup>

در مورد لزوم تصویب قوانین توسط مجلس قانون‌گذاری می‌گوید:

«قانون وقتی عنوان قانونیت پیدا می‌کند که مجلس تصویب کند».<sup>۳</sup>

درباره اسلامی بودن قوانین مصوب مجلس قانون‌گذاری می‌گوید:

«امروز قانون ۳۰ کرور از اهل اسلام به تصویب مجلس مقدس رسیده، قانون اسلام است و اشکال ندارد قانونی که در مملکت ما وضع می‌شود، هر جا لفظ قانون می‌گوییم، یعنی قانون اسلام، اعم از اینکه به‌عنوان اولیه یا به‌عنوان ثانویه باشد».<sup>۴</sup>

در مورد عدم مخالفت قوانین مصوب مجلس قانون‌گذاری با شرع می‌گوید:

«فرق است میان موافقت با شرع و عدم مخالفت. آن نکته قانون اساسی گفت:

مخالفت با شرع نداشته باشد. نفرمود موافق با شرع باشد».<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۲۲۷.

۲. همان، ص ۲۲۶.

۳. صورت مذاکرات دوره پنجم، قسمت اول، همان، ص ۴۹۹.

۴. محمد ترکمان، همان، ص ۴۴ - ۴۵.

۵. همان، ص ۱۳.



درباره رعایت صلاح مردم در قوانین و نظارت بر اجرای آن‌ها می‌گوید:

«اگر قانون اجرا نشود و توی ذهن مردم بخورد، برای ما تعریفی ندارد. ما باید قانون درست کنیم که به درد مردم بخورد و صلاح مردم باشد. وقتی که اسباب زحمت مردم باشد، فایده ندارد. پس این مسئله از مسائلی است که بنده تذکر می‌دهم که فکرشان را صرف کنند، هم در اصلاح قانون و هم در نظارت اجرا... اگر کاری می‌شود، باید مطابق قانون بشود، والا خوب است کاری نشود».<sup>۱</sup>

در مورد لزوم استحکام اصول قوانین و عدم اختلاف در جزئیات آن‌ها می‌گوید:

«بنده عقیده‌ام این است که هر قانونی اصولش را باید محکم کرد و در جزئیات آن این‌قدر اختلاف نکرد».<sup>۲</sup>

درباره ضرورت وضع قوانین سهل‌الاجرا می‌گوید:

«هر قانونی که ما در این مملکت می‌گذاریم، باید ملاحظه صحت اجرائش را هم بکنیم... باید قانون را به قسمتی وضع کرد که سهل‌الاجرا باشد».<sup>۳</sup>

## ۲-۴. قانونمندی در اجرا

مدرس درباره ضرورت عمل به قانون اساسی می‌گوید:

«قانون اساسی دستوری [است] که ملت به آن شخص می‌دهد و حاکم و سائس اگر بر طبق آن عمل نکرد، ظالم و متعدی و لازم‌الدفع است... پس دستوری که ملت به

۱. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۶۹.

۲. همان، ص ۱۶۰.

۳. صورت مذاکرات دوره پنجم، قسمت دوم، همان، ص ۹۱۸.



اداره‌کنندگان داده، همین قانون اساسی است».<sup>۱</sup>

در جای دیگری در همین مورد می‌گوید:

«حاکم با قانون اساسی است. هرچه او حکم کرد، متبع است».<sup>۲</sup>

در مورد لزوم احترام به قانون می‌گوید:

«بنده قانون مجلس را - ولو بی‌فلسفه هم باشد - محترم می‌شمارم».<sup>۳</sup>

درباره ضرورت تبعیت دولت از قانون می‌گوید:

«هرکدام این‌ها دولت مستقلی هستند، باید تابع قوانین این مجلس باشند.

نمی‌خواهند باشند، نمی‌خواهند. آن‌ها را به خیر، ما را به سلامت».<sup>۴</sup>

در مورد وظیفه دولت در عمل به قانون می‌گوید:

«دولت غیراز اجرای قوانینی که مجلس شورای ملی تصویب کرده، هیچ کار و

وظیفه ندارد».<sup>۵</sup>

درباره عدم تخلف دولت از قانون می‌گوید:

«دولت نباید برخلاف قانون قدمی بردارد».<sup>۶</sup>

در مورد التزام وزیران به اجرای قانون می‌گوید:

«وزیر باید مجری قانون باشد... وزیر اگر عالم هم باشد، در غیاب مجلس شورای

۱. همان، ص ۳۱۶.

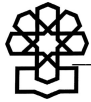
۲. مذاکرات مجلس، دوره ششم تقنینیه، همان، ص ۱۰۶.

۳. همان، ص ۱۰۳.

۴. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۷۰.

۵. همان، ص ۴۵.

۶. همان.



ملی نباید خودش یک قانونی وضع کند».<sup>۱</sup>

درباره ضرورت عمل به قانون توسط همه اشخاص حقیقی و حقوقی می‌گوید:

«قانون مملکتی مسلمی که قانون ماهیات کار است، جاهل باید این‌ها را مراعات

بکند، محکمه باید مراعات بکند، همه‌کس باید مراعات بکنند».<sup>۲</sup>

در مورد لزوم تصویب بودجه کشور توسط مجلس قانون‌گذاری می‌گوید:

«بر فرض اینکه مملکت ما مشروطه باشد و ما دولت مشروطه باشیم، تمام جمع

و خرج مفصله باید به تصویب مجلس شورای ملی باشد... من در این فرض حرف

می‌زنم که ما مشروطه هستیم، تابع قانون اساسی هستیم. بودجه‌های مملکت از یک

دینار که از مردم گرفته می‌شود و یک دینار که خرج می‌شود، باید به تصویب مجلس

شورای ملی باشد و برطبق یک قانونی که قانون اساسی باشد تا مشروع بشود».<sup>۳</sup>

درباره ضرورت برخورداری وزارتخانه‌ها از قانون تشکیلاتی و شرح وظایف

می‌گوید:

«هر وزارتخانه یک قانون تشکیلاتی می‌خواهد و یک وظایفی که آن‌ها عمل کنند،

چه داخله باشد، چه خارجه».<sup>۴</sup>

### ۳-۴. قانونمندی در قضا

مدرس درباره نیاز قضاوت بومی به علم حقوق بومی می‌گوید:

۱. محمد ترکمان، همان، ص ۲۳۶.

۲. صورت مذاکرات دوره ششم، همان، ص ۲۰۸.

۳. همان، ص ۱۲۳ - ۱۲۴.

۴. همان، ص ۶۳.



«قضاوت این مملکت، علم حقوق این مملکت را لازم دارد».<sup>۱</sup>

در مورد ضرورت مجتهد بودن قاضی و آشنایی وی با حقوق عمومی و وضع دنیا می‌گوید:

«بنده می‌گویم قاضی باید عالم به حقوق عمومی مملکت و مجتهد باشد. قانون اداری را هم بداند... آشنایی به وضع دنیا هم داشته باشد».<sup>۲</sup>

درباره عدم مؤاخذه متهم توسط دولت در صورت رضایت مدعی می‌گوید:

«در دنیا اگر حق کسی را من صدمه زدم که متعلق به ۱۰۰ هزار نفر بود، اگر آن ۱۰۰ هزار نفر آمدند راضی شدند، دولت حق ندارد مؤاخذه کند که تو حق آن‌ها را بردی... متن خبر است که علی (ع) در دین حبس می‌کردند، دخلی به جعلیت اسناد ندارد، دخلی به آدم کشتن ندارد».<sup>۳</sup>

در مورد قابل خرید نبودن جرمی که مصالح عمومی را به خطر اندازد می‌گوید:

«یکوقت یک مجازاتی است که بر یک عملی که مصالح عمومی اقتضا می‌کند و نظم مملکتی و اجتماعی اقتضا دارد، شما معین می‌فرمایید... ابدأ این‌گونه مجازات قابل ابتیاع نیست».<sup>۴</sup>

درباره لزوم عقلایی بودن دعوی می‌گوید:

«دعوی باید عقلایی باشد. اگر دعوی عقلایی نباشد، حاکم شرع هم گوش

نمی‌دهد».<sup>۵</sup>

۱. محمد ترکمان، همان، ص ۲۳۷.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۲.

۴. صورت مذاکرات، دوره پنجم، قسمت اول، همان، ص ۷۸۵.

۵. صورت مذاکرات، دوره ششم، همان، ص ۱۶۹.



با تأمل در مطالب یادشده می‌توان دیدگاه‌های مدرس را در مورد قانونمندی در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. توجه به فلسفه قانون و حکومت قانون،

۲. لزوم تصویب قوانین اسلامی عدم مخالف با شرع توسط مجلس قانون‌گذاری،

۳. توجه به استحکام قوانین، رعایت مصلحت مردم در آن‌ها و وضع قوانین سهل‌الاجرا،

۴. ضرورت عمل به قانون اساسی و احترام به قانون توسط همه اشخاص حقیقی و حقوقی،

۵. وظیفه دولت در عمل به قانون و عدم تخلف از آن،

۶. نیازمندی قضاوت بومی به علم حقوق اسلامی بومی و ضرورت اجتهاد قاضی و آشنایی وی با حقوق عمومی،

۷. ضرورت عقلایی بودن دعوی و قابل خرید نبودن جرمی که مصالح عمومی را به خطر اندازد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در فصول پیشین به بررسی نظرات مدرس درباره جامعه مطلوب و چهار محور مهم آن یعنی کرامت‌انسانی، آزادی، رفتار سیاسی و اجتماعی و قانونمندی پرداختیم و تا حدودی با دیدگاه‌های این فقیه سیاست‌مدار آزادی‌خواه در این خصوص آشنا شدیم. در جمع‌بندی مختصری می‌توان گفت جامعه مطلوب مورد نظر مدرس، جامعه‌ای با مشخصات زیر است:





۱. به کرامت انسان‌ها بها داده می‌شود و حقوق فردی و اجتماعی افراد و عزت و شرافت آن‌ها محترم است.
۲. آزادی در همه زمینه‌ها با توجه به حدود آن و عدم تعرض به حقوق دیگران وجود دارد و تقدس و ارزش والایی داشته و استقامت در راه حفظ آن از اهمیت فراوانی برخوردار است.
۳. به رابطه سیاست و دیانت، سیاست ملی و اراده ملت توجه وافر می‌شود.
۴. قانون اساسی و مجلس قانون‌گذاری از اهمیت و عظمت بالایی برخوردار بوده و مشارکت مردمی و آزادی فعالیت احزاب وجود دارد.
۵. ملت و اراده آن و وحدت میان دولت و ملت، اهمیت فراوانی دارد.
۶. اقتدار دولت وابسته به اقتدار ملت بوده و دولت برای ایجاد امنیت، رفاه و عمران و آبادانی با ملاحظه مصالح عمومی و منافع ملی تلاش می‌کند.
۷. رابطه کشور با سایر کشورها به‌خصوص با کشورهای همسایه و به‌ویژه با کشورهای اسلامی حسنه بوده و ضمن تبادل فرهنگی با سایر کشورها، توازن عدمی نسبت به آنها رعایت می‌گردد.
۸. فلسفه قانون و حکومت قانون با تصویب قوانین اسلامی توسط مجلس قانون‌گذاری ضمن رعایت صلاح مردم و سهل‌الاجرا بودن قوانین، مورد توجه وافر است.
۹. به قانون اساسی عمل شده و قانون مورد احترام تمامی افراد حقیقی و حقوقی است.
۱۰. قضاوت بومی با علم حقوق اسلامی بومی توسط مجتهدان آشنا با حقوق عمومی صورت پذیرفته و جرمی که مصالح عمومی را به خطر اندازد، قابل اکتیاع نیست.



### منابع و مأخذ

۱. ترکمان، محمد. *مدرس در پنج دوره تقنینیه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۲. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، *تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران (مجموعه مقالات)*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، اسفند ماه ۱۳۷۶.
۳. *صورت مذاکرات دوره پنجم*، تهران، مجلس شورای ملی، قسمت اول و دوم.
۴. *صورت مذاکرات دوره ششم*، جمع‌آوری توسط علی‌مدرسی، تهران، مجلس شورای ملی.
۵. کتابخانه و واحد اطلاع‌رسانی فارابی، *مدرس و حاکمیت ملی*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آذر ماه ۱۳۷۴.
۶. *مدرسی، علی. مرد روزگاران (مدرس شهید نابغه ملی ایران)*، تهران، نشر هزاران، ۱۳۷۴.
۷. *مدرسی، علی، مدرس*، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶، ۲ جلد.
۸. *مذاکرات مجلس، دوره ششم تقنینیه*، تهران، مجلس شورای ملی، شماره‌های ۱ - ۳۴.
۹. *مکی، حسین. مدرس قهرمان آزادی*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸، ۲ جلد.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۸۹۵۹

عنوان گزارش: شاخصه‌های جامعه مطلوب در اندیشه فقهی - سیاسی شهید مدرس

Report Title:

نام دفتر: معاونت پژوهشی (گروه نشریه)

تهیه و تدوین: عبدالرضا فاضلی

ناظر علمی: —

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها: —

منابع و مأخذ تهیه گزارش:

در انتهای گزارش درج شده است.

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۲/۱۴